



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث صدر شیعہ

دفتر دوم

بہ کوشش

علی صدراپی خویی

ہمدی مہریری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱-، گردآورنده.

میراث حدیث شیعه: ۲/ به کوشش مهدی مهریزی و علی صدرایی خوئی.

قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۸.

۶۵۲ ص.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. احادیث شیعه - مجموعه ها. ۲. احادیث شیعه ۳. اربعینیات. ۴. احادیث خاص

(حدیث حقیقت). ۵. احادیث خاص (رأس جالوت). ۶. احادیث - مسائل ادبی.

۷. حدیث - علم الرجال. ۸. احادیث - اجازه ها. الف عنوان. ب صدرایی خوئی، علی،

۱۳۴۲-، گردآورنده همکار.

۲۹۷/۲۱۸

BP ۱۴۱/م ۹م ۹

ISBN : 964 _ 5985 _ 54 _ 4

شابک: ۹۶۴-۵۹۸۵-۵۴-۴



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث شیعه ۲/

به کوشش:

مهدی مهریزی

علی صدرایی خوئی

همکاران علمی:

ابوالفضل حافظیان، قاسم شیرجعفری، حسین گودرزی

ویراستار فارسی: محمدرضا موحدی ویراستار عربی: اسعد طیب مولوی

حروف نگاری و صفحه آرایی: محمد ضیاء سلطانی، فخرالدین جلیلود

دفتر میراث حدیث شیعه: قم، خیابان ۱۹ دی، کرچه دهم، پلاک ۳۱

نشانی برای مکاتبه: قم، ص. پ. ۳۴۱۸ / ۳۷۱۸۵ مرکز تحقیقات دارالحدیث، میراث حدیث شیعه

تلفن: ۷۱۱۷۴۵۰. نمابر: ۷۱۹۱۹۰

فهرست

آغاز دفتر

۷

متون حدیثی

۱۱ وصية النبي ﷺ لعلي بن أبي طالب ؑ

به روایت عمر بن محمد نسفی / تحقیق: سید احمد رضا حسینی

۵۳ المناجاة الإلهيات

سید ضیاء الدین فضل الله بن علی راوندی / تحقیق: سعید رضا علی عسکری

۸۹ الاستبصار في النص على الأئمة الأطهار ؑ

أبو الفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی / تحقیق: محمد اسلامی یزدی

۱۳۵ الأربعون حديثاً

عزالدین حسین حارثی عاملی / تحقیق: علی اوسط ناطقی

شرح و ترجمه حدیث

۱۸۷ شرح حدیث حقیقت

خواجہ محمد دھدار / تحقیق: مهدی مهریزی

۲۱۱ صحيفة المحبة

سائل کاشانی / تحقیق: محمد مهدی فقیهی

۲۳۳ شرح حدیث رأس الجالوت

ملا عبد الصاحب محمد بن احمد نراقی / تحقیق: سید محمد رضا حسینی

۲۵۵ المکنون في حقائق الكلم النبوية

أبو محمد روزبهان بقلی فسایی شیرازی / تحقیق: علی صدرايي خویی

نظیم اللتالی

۳۶۵

سید قوام الدین محمد بن محمد حسینی سیفی قزوینی / تحقیق: حسین گودرزی

علوم حدیث

لَبَّ اللبَابِ فِي عِلْمِ الرِّجَالِ

۳۹۵

ملا محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی / تحقیق: محمد حسین مولوی

شرح طرق الشيخ الطوسي

۴۹۷

ملا محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی / تحقیق: علی فرخ

الفوائد الرجالية للمحقق الكركي

۵۳۵

محمد حسون

اجازات

اجازات فیض کاشانی

۵۹۷

ابوالفضل حافظیان

معرفی نسخه

إزالة الأوهام شيخ ابوالقاسم خویی

۶۲۹

سید صادق حسینی اشکوری

اجازات

اجازات فیض کاشانی

ابوالفضل حافظیان

اجازات فیض کاشانی

ابوالفضل حافظیان



درآمد

در خواست و نگارش اجازه در بین علمای سلف، سنتی حسنه و دیرپا بوده است. بر خلاف زمان ما که کسب اجازه مهجور مانده و تنها به جهت تیمن و تبرک و درج در سلسله روات احادیث اهل بیت علیهم السلام، بدان اقدام می شود، در گذشته اجازه جزو مهم ترین طرق حمل حدیث و به عنوان پشتوانه و سند صحّت نقل روایت شمرده می شد و نگارش یا درخواست آن تابع مقررات و قواعد خاصی بوده است.

محدث جلیل مرحوم ملا محمد تقی مجلسی، در اجازه ای که به یکی از شاگردان خود داده است، در تعریف اجازه معتبره می نویسد:

«الإجازة المعتبرة الكاملة أن تكون بعد القراءة على الشيخ أو قراءة الشيخ عليه أو السماع ممن قرأ على الشيخ جميع الكتب أو أكثرها بعد أن حصل له ملكة يقدر بها على فهم ما لم يسمعه عن شيخه لسماعه أكثرها أو كثيرها»^۱.

جمع آوری و تنظیم اجازات علمای گذشته و ترتیب آنها بر حسب طبقات مشایخ و تعداد اجازاتی که یک مُجیز برای شاگردان متعدد صادر کرده و یا اجازاتی که یک مُجاز از مُجیزهای متعدد دریافت داشته است، دایرة المعارفی عظیم در علوم حدیث را رقم خواهد زد که شامل فواید فراوان حدیثی، رجالی، تاریخی و حتی اخلاقی و عرفانی و کتابشناسی و فهرست نگاری خواهد بود.

در این مقال اجازاتی که جناب ملامحسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱ ق) از اساتید خود دریافت نموده و اجازاتی که وی برای شاگردان خود صادر کرده است، آن مقدار که از تفحص در لابه لای متون و نسخه های خطی به دست آمده، تقدیم می گردد.

اجازات فیض از مشایخ خود

فیض در محضر اساتید و علمای برجسته پرورش یافت و هر جا از اهل کمالی نشانی گرفت، جهت استفاده به سوی او شتافت، چنانکه در «شرح صدر» گوید: «مدتی در موطن بلاد گشت و در یوزة علم و کمال از بواطن عباد کرده، هر جا بزرگی به انگشت اشارت نشان دادند که نوعی از علم و کمال پیش او هست، سحباً علی الهمام لامشياً علی القدم، رفت و به قدر مایه و استعداد بهره یافت»^۱.

در اینجا اساتید فیض در دو بخش معرفی می گردد.

الف: اساتیدی که اجازه فیض از آنها موجود است.

متأسفانه با تمام کاوشی که به عمل آمد فقط یک اجازه از اجازات اساتید فیض به وی، به دست آمد که اجازه سید ماجد بن هاشم صادقی بحرانی^۲ متوفانی

۱. ده رساله فیض کاشانی، رساله شرح صدر، ص ۶۱

۲. رجوع کنید به: امل الآمل، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۲۲۶؛ سلافة العصر، سید علیخان مدنی،

۱۰۲۸ ق است.

سید ماجد حسینی از علما و دانشمندان بزرگ شیعه است که جناب فیض جهت استفاده از محضر پر فیضش به شیراز رفته، چنانکه در «شرح صدر» می گوید: «به جهت تحمّل حدیث باسناد و عنعنه و تصحیح به شیراز رفته به خدمت فقیه عصر که متبحّر در علوم ظاهره بود، اعنی سید ماجد بن هاشم صادقی بحرانی - تغمّده الله بغفرانه - رسید و از خدمتش به سماع و قرائت و اجازت شطری معتدّ به از حدیث و متعلقات آن استفاده نمود...»^۱.

و در مقدمه کتاب وافی - که خواهد آمد - یکی از طرق روایت خود از کتب حدیثی شیعه را طریق استادش سید ماجد بحرانی معرفی می نماید.

اجازه‌ای که بحرانی برای فیض و برادرش شاه مرتضی در سال ۱۰۲۸ ق نوشته است، با استفاده از نسخه خطی شماره ۹۱۴۴ کتابخانه آیه الله مرعشی، در ادامه خواهد آمد.

نسخه مذکور شامل کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی است که به دستور فرزند فیض - علم الهدی - در سال ۱۰۷۴ کتابت شده و صورت اجازه سید ماجد به فیض و برادرش به خط علم الهدی در آن آمده است، این نسخه در فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی (ج ۲۳، ص ۲۷۴) معرفی شده است. همچنین نسخه‌ای از اجازه مذکور در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.^۲

اجازه سید ماجد بحرانی به ملا محسن فیض و برادرش شاه مرتضی

صورة اجازة السيد السند البارع الورع السديد الجيد السيد ماجد الصادقي

«ص ۵۰۰، ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی، ج ۵، ص ۶؛ لؤلؤة البحرين، شیخ یوسف بحرانی، ص

۱۳۶؛ روضات الجنات، ج ۶، ص ۷۲؛ مصفی المقال، علامه تهرانی، ص ۳۸۵

۱. ده رساله فیض کاشانی، رساله شرح صدر ص ۵۹

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۴، ص ۶۲۱، شماره «۱۱۵۸۳».

البحراني - تغمده الله بغفرانه واحسانه - .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي استدرك ذماء الحديث بعد أن صار على شفا و استبقى رمق الرواية بالاجازة التي هي لأمراض الأسناد شفا و الصلوة والسلام على خير خلق ساع بين المروءة و الصفا محمد النبي المصطفى وآله و صحبه ممن اتبع أثره و اقتفى.

و بعد فان الولدين السعيدين والشابين المجيدين قرّتي عين الرواية و تاجي رأس الاتقان و الدراية عامري طريق النجاح والنجاة ولابسي حلة الأنس بالله والمناجاة المرشحين في عنفوان الشباب لاحراز قصب السبق في العلوم والأعمال الشاهدة سماتهما ببلوغهما في الخلتين منتهى الآمال محمد محسن و شاه مرتضى ابني الفاضل شمس العلماء والافاضل شاه مرتضى الفقيه القاساني استجازاني ما تصحّ لي إجازته من كتب الأصحاب الأعلام خصوصاً أصول الحديث الأربعة التي عليها المدار في هذه الأيام فرأيت أنّ إجابتهما في جميع الأمور المعروضة من الواجبات اللازمة العروض لما استشمت برق الصلاح من صفحاتهما واستشمت أرج الفضل من لفحاتهما وإن كنت في بادي هذا البيان سيكتنا اخطلا و في حلبة هذا الرهان سكتنا بل فسكلا [كذا].

فأقول: إنّي قد أجزت لهما - أدام الله توفيقهما ونهج إلى درك السعادتين طريقهما - أن يروي عني كتابي التهذيب والاستبصار من تصانيف شيخ الطائفة و عمادها و سناد الفرقة المحقة في جميع روايتها وإسنادها و من عليه في أصول الشريعة و فروعها تعويلها و إليه مرجع استنادها الشيخ أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، بحق روايتي له إجازة عن شيخنا شيخ الاسلام المبرز في جميع فنون الحكمة والأحكام بهاء الملة والحقّ والدين محمد بن الشيخ القدوة مهذب

المناهج الإسلامية فقيه الفرقة الناجية الامامية الحسين بن عبدالصمد الحارثي الهمداني عن شيخه الجليلين قرّتي عين الشريعة و فقيه الطائفة الشريفة من الشيعة السيّد حسين بن جعفر الكركي والشهيد السعيد خاتمة الفقهاء زين الدين بن علي بن أحمد العاملي عن شيخهما الفقيه البارع عمدة الفقهاء في وقته المتخرجة أعيان الفضلاء من تحته الشيخ علي بن عبدالعالي الميسي عن الشيخ الجليل السعيد بن عمّ شيخنا الشهيد محمّد بن المؤذن الجزيني عن الشيخ الفاضل الشيخ ضياء الدين علي بن الإمام السعيد الفقيه الحميد شمس الدين محمّد بن مكّي المشهور بالشهيد ضاعف الله منزلة سعادته و رجح مداد قلمه على دم شهادته.

ح^١ و عن الشيخ الفاضل شمس الأفاضل ساكن الحرم الأمين المجاور في حياته ومماته ربّ العالمين الشيخ محمّد بن أحمد بن خاتون العاملي عن أبيه عن جده عن الشيخ الكبير الشهير بمجدد المذهب الإمامي بهمّته الشاسعة على رأس المائة التاسعة الشيخ عليّ بن عبدالعالي الكركي عن شيخه الفاضل البارع التقي الشيخ علي بن هلال الجزائري عن شيخه ملك الناسكين قطب العارفين والسالكين الشيخ أحمد بن محمّد بن فهد الحلبي - أحله الله دارالكرامة وجلاه تجلية الرضوان في دار المقامة - عن شيخه الجليل شيخ علي بن الخازن الحايري عن شيخنا الشهيد عن عدة من تلامذة الإمام العلامة مفتي الفرق مستنقذ المذهب من لجة الغرق زعيم الحكماء والمتكلمين لسان الفقهاء والمجتهدين جمال الملة والحق والدين الحسن بن يوسف المذكور عن شيخهما العلامة المشار إليه عن شيخه محقق الطائفة و منقحها أبي القاسم نجم الدين جعفر بن سعيد الحلبي عن

١. رمز «ح» علامت تحويل سند و خلاصة كلمة «حيلوله» است.

شیخه الجلیل نجیب الدین محمد بن جعفر بن ابی البقاء هبة الله بن نماء عن
 الشيخ شاذان بن جبرئیل القمی عن الشيخ الفقیه ابی علی بن الشیخ ابی جعفر
 الطوسی المصنف عن والده - قدس سره - .

و بهذه الطرق جمیع مصنفات الأصحاب الذین اشتملت علیهم سلسله الاسناد
 المذكور وبالطرق المذكور إلى الشیخ ابی جعفر المذكور جمیع کتب شیخیه
 العظیمین ثقة الاسلام صدوق أهل البيت علیه السلام ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین
 بن بابویه القمی کتاب من لا یحضره الفقیه و غیره و الشیخ الأجل جعفر بن محمد
 بن قولویه و بالطریق إلى ابن قولویه المذكور عن شیخ الطائفة مجدّد المذهب
 علی رأس الثلاثمائة كما اعترف به المؤلف و المخالف ابی جعفر محمد بن
 یعقوب الكلینی جمیع کتاب کافی.

فلیرویا عنی جمیع ذلك لمن شاء و ارادا سالکین طریق الاحتیاط متبیین عند
 مواقع الاغلاط داعیین لی فی مظان الإجابة و محال الإخلاص و الإیابة بالتوفیق لما
 یحبه جلّ و عزّ و یرضاه و التیسر لما فیہ رضاه خصوصاً قطع العلائق و الاشتغال به
 سبحانه عن جمیع الخلائق.

و کتب الفقیر إلى الله الغنی ماجد بن هاشم بن علی بن مرتضی بن علی بن
 ماجد الحسینی الصادقی بدارالملک شیراز عام ۱۰۲۸ حامداً مصلیاً.

نقلت هذه الإجازة من خط السیّد الأجل المجیز - قدس الله سرّه العزیز -
 لبعض شهور حجة ست و سبعین و الف (۱۰۷۶) و کتب عبدالله المتقرب إليه
 زلفی محمد المدعو بعلم الهدی ختم الله له بالحسنی و عفا عما اجترح و جنی .
 ب: اساتیدی که فیض از آنها اجازة روایت دریافت کرده ولی متن اجازة در
 دست نیست.

فیض در کتاب های خود تصریح نموده که از عده ای از مشایخ خود اجازة

روایتی دریافت نموده است، ولی با تتبعی که به عمل آمده، متن این اجازات به دست نیامد. اسامی و شرح حال کوتاه این استادان:

۱- بهاء الدین محمد بن عبدالصمد عاملی، معروف به شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ق).

فیض در «شرح صدر» می نویسد پس از تحصیل در شیراز: «به اصفهان رجوع نمود، به خدمت شیخ بهاء الدین محمد عاملی - قدس سره - رسید و از ایشان نیز اجازه روایت گرفته ...»^۱.

نیز در مقدمه وافی متذکر می شود که از شیخ بهایی بلا واسطه روایت می کند.

۲- شیخ محمد بن شیخ حسن بن شیخ زین الدین عاملی^۲ (م ۱۰۳۰ ق)

فیض کاشانی، شیخ محمد را که نوه شهید ثانی است، در سفر حج ملاقات نموده، چنانکه در شرح صدر می نویسد: «و در آن سفر به خدمت شیخ محمد بن شیخ حسن بن شیخ زین الدین عاملی - أطاب الله ثراه - رسیده، از ایشان نیز اجازه نقل حدیث گرفته مستفید شد»^۳.

و در اجازه ای که فیض برای امیر محمد خان طباطبایی صادر کرده، تصریح نموده که از سبط شهید ثانی شیخ محمد عاملی اجازه داشته است و نیز در مقدمه وافی به این معنا اشاره کرده است.

و اینک مقدمه وافی، که فیض به کسب اجازه از مشایخ مذکور تصریح نموده: «توقیف:

لی إلى رواية الأصول الأربعة عن مؤلفيها الثلاثة طرق متعددة وكذا إلى غيرها

۱. ده رساله فیض کاشانی، ص ۵۹

۲. امل الامل، ج ۱، ص ۱۳۸

۳. ده رساله فیض کاشانی، ص ۶۰

من الكتب والأصول، و لكن أقتصر فأقول: إني أروي الأصول الأربعة تارة عن أستاذي و من عليه في العلوم الشرعية استنادي وعليه اعتمادي السيد ماجدين هاشم الصادقي البحراني تغمده الله بغفرانه، عن الشيخ الفاضل الكامل بهاء الدين محمد العاملي طاب ثراه.

وتارة عن الشيخ المذكور بلا وساطة^١ الأستاذ، وهو يروي عن أبيه و أستاذه الحسين بن عبد الصمد الحارثي، وهو عن شيخه الأجل السعيد زين الدين بن علي بن أحمد العاملي الشهيد.

وتارة أروي الأصول الأربعة وسائر كتب الحديث و غيرها عن الشيخ محمد بن الشيخ حسن بن الشيخ زين الدين الشهيد، عن أبيه، عن جده.

وهو يروي عن الشيخ الفاضل علي بن عبد العالي العاملي الميسي، عن الشيخ شمس الدين محمد بن المؤذن الجزيني، عن الشيخ ضياء الدين علي، عن والده الأجل الشيخ شمس الدين محمد بن مكّي الشهيد، عن الشيخ فخرالدين أبي طالب محمد، عن والده العلامة جمال الملة والدين الحسن بن مطهر الحلّي، عن شيخه المحقق نجم الملة والدين أبي القاسم جعفر بن الحسن بن سعيد، عن السيد الجليل أبي علي فخار بن معد الموسوي، عن الشيخ أبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي، عن الشيخ الفقيه عمادالدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم الطبري، عن الشيخ أبي علي الحسن، عن والده شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي.

وله إلى ثقة الإسلام محمد بن يعقوب الكليني طرق متعددة:

منها: عن أبي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفيد، عن شيخه أبي

القاسم جعفر بن قولویه، عنه طاب ثراه.

وكذلك له إلى الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي طرق:

منها: عن الشيخ المفيد عنه قدس الله أسرارهم جمعياً^۱.

۴- صدر الدین محمد شیرازی، معروف به ملاصدرا (م ۱۰۵۰ ق)

جناب فیض در رساله شرح صدر، درباره استفاده از انفاس قدسی و افادات

حکیمانه صدر المتألهین شیرازی آورده است:

«تا آنکه در بلدة طيبة قم به خدمت صدر اهل عرفان و بدر سپهر ایقان، صدر الدین محمد شیرازی - قدس الله روحه و سرّه - که در فنون علم باطن یگانه دهر و سرآمد عصر خود بود، رحل اقامت افکند، مدت هشت سال ماند... و آخر به شرف مصاهرت ایشان سرافراز گردید. باز چون مشار الیه از قم به شیراز تکلیف نمودند و بدانجا اقامت فرمودند، به مقتضای «فان اتممت عسراً فمّن عندك»^۲ به شیراز رفته، قریب به دو سال دیگر در خدمت بابرکات ایشان به سر برده و از انفاس طيبة ایشان بسی استفاده نمود»^۳.

مرحوم تنکابنی در تذکرة العلماء (ص ۱۷۵) گفته است: جناب فیض از ملاصدرا اجازه دارد.

۵- دایی فیض، ضیاء الدین، محمد

در «شرح صدر» آمده است: «چندی در خدمت خال بزرگوار خویش که ممتاز عصر خود بود در کاشان که وطن اصلی بود، به تحصیل علوم دینیّه ظاهره اشتغال و از تفسیر و حدیث و فقه و اصول دین و آنچه موقوف علیه آن علوم

۱. الوافی، چاپ اصفهان، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹

۲. سورة قصص، آیه ۲۷

۳. ده رساله فیض، ص ۶۱

است از عربیت و منطق و غیر آن»^۱.

علامه تهرانی، ضیاءالدین محمد را دایی فیض معرفی کرده و گفته است: وی از شاگردان مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ق) بوده و خود به حسین بن حیدر کرکی (م ۱۰۴۱ ق) اجازه داده است^۲.

این بود نام بزرگانی که فیض به استفاده از محضر آنها تصریح نموده است. در کتب رجال و تراجم نام چند تن از علمای دیگر به عنوان اساتید فیض مطرح شده است، از جمله محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل، مولی خلیل قزوینی (م ۱۰۸۹ ق) و مولی محمد صالح مازندرانی (م ۱۰۸۱ ق) (شارحان کافی) و مولی محمد طاهر قمی (م ۱۰۹۸ ق) را در شمار استادان فیض قرار داده است^۳.

و نیز در روضات الجنات آمده است: «وله الرواية أيضاً... عن المولى خليل القزويني و المولى صالح المازندراني بحق روايتهم جميعاً عن شيخنا البهائي رحمه الله»^۴.

محتمل است جناب فیض از محضر میرمحمد باقر داماد (م ۱۰۴۱ ق) نیز استفاده کرده باشد،^۵ گرچه خود فیض به این معنا تصریح نکرده است.

اما اینکه در نزد پدرش - شاه مرتضی - درس خوانده و از او روایت کرده

۱. همان، ص ۵۸ و ۵۹.

۲. طبقات اعلام الشيعة، قرن ۱۲، ص ۲۹۸، ۴۹۲، ۵۳۶ و ۵۳۵ همانطور که گفته شد ضیاءالدین استاد فیض بوده، اما سندی دال بر اینکه فیض از او اجازه دریافت کرده باشد، به دست نیامد.

۳. مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت، ج ۲۰، ص ۲۳۶.

۴. روضات الجنات، ج ۶، ص ۹۳.

۵. ر.ک: مقدمه وافى چاپ اصفهان ص ۳۲ و مقدمه تحقیقی آقای بیدارفر بر علم الیقین فیض کاشانی، ص ۵۳؛ طبقات الإجازات بالروایات، سید حسن صدر، مطبوع در آخر نفحات الروضات.

باشد، ظاهراً مطابق با واقع نخواهد بود، چرا که فیض در خردسالی پدر خود را از دست داده است.^۱ در طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱ ص ۱۵۸) مولی حسین اردکانی یزدی نیز جزو اساتید فیض معرفی شده است.

شاگردان و اجازه گیرندگان از فیض

فیض شاگردان زیادی را تربیت کرده و به تعدادی از آنها اجازه روایت عنایت کرده است. در اینجا در دو بخش شاگردان وی ذکر می‌گردد.
الف: علمایی که اجازه روایت فیض به آنها موجود است:

۱- فرزندش محمد که از طرف پدر به علم الهدی ملقب بوده است (تولد ۱۰۳۹ق، وفات ۱۱۱۵ق). وی از علمای اوائل قرن دوازدهم هجری است و تألیفاتی در عقاید، اخلاق، ادعیه، فقه و حدیث از خود به جای گذاشته است.^۲
دو نسخه از اجازه فیض به وی در کتابخانه آیةالله مرعشی به شماره‌های ۸۶۷۱ و ۹۱۴۴ موجود است.^۳ و بر اساس نسخه اخیر این اجازه در ادامه خواهد آمد.

و دو نسخه دیگر از این اجازه در کتابخانه آستان قدس رضوی^۴ و دو نسخه نیز در کتابخانه سپه سالار و مدرسه مروی تهران^۵ موجود است.

۱. همان.

۲. منابع شرح حال علم الهدی: طبقات اعلام الشیعه، قرن ۱۲، ص ۴۴۸؛ ریحانة الادب ج ۴، ص ۱۹۰؛ مقدمه آیةالله مرعشی (ره) بر کتاب معادن الحکمة.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیةالله مرعشی، ج ۲۲، ص ۲۲۲ و ج ۲۳، ص ۲۷۴؛ الذریعة، ج ۱، ص ۲۲۸.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۴، ص ۶۱۵ و ۶۲۱.

۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی، ص ۲۳۰ و فهرست نسخه‌های خطی مدرسه سپه سالار، ج ۱، ص ۳۳۹، شماره ۱۹۳۵.

صورة ما أجازني به الوالد الماجد أجار الله عز بهائه من شر كل عدو حاسد

بسم الله الرحمن الرحيم

وبه نستعين في التعلم والتعليم، الحمد لله الذي أبقي رفق رواية الحديث ببقاء نوع حامله والصلوة والسلام على خير من صدر منه الحديث وآله وذويه. أما بعد فقد استجازني ولدي الأعز الأسعد وقرة عيني الأجد الأرشد المترشح في عنفوان شبابه لأحراز قصب السبق في السداد والصلاح الشاهدة سماته باهليته لنيل الفوز والفلاح الجامع بين طائفة من العلوم العقلية والنقلية وحظ وافرم من الكمالات العلمية والعملية محمد المقلب بعلم الهدى - أدام الله توفيقه ونهجه إلى درك السعادة طريقه - ما يصح له إجازته من كتب الحديث وغيره خصوصاً ما عليه المدار في هذه الأعصار أعني الكافي والفقيه والتهذيب والاستبصار ثم الوافي من تأليفاتي الذي جمع الأربعة كلها مع ترتيب وتنقيح وبيان وتوضيح بعد أن قرأ كله أو جلّه لدي وسمع طائفة منه مني أو علي.

فأجزته أن يروي عني ما استجازني بحق روايتي له عن مشايخي - رضوان الله عليهم - إما قراءة مني لديهم أو سماعاً منهم أو عليهم أو إجازة منهم لي بالطرق المتصلة بالنعنة إلى ائمتنا المعصومين - صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين - ولا سيما طريقي المذكور في الوافي ثم طريقي المذكورة في صورة إجازة الشهيد الثاني لتلميذه الشيخ حسين بن عبد الصمد الحارثي على ما أجازني به سبطه الفقيه محمد بن الحسن بن زين الدين بن علي بن أحمد العاملي - رضي الله عنهم -.

فليروني جميع ذا لمن أراد و شاء سالكاً طريق الاحتياط مثبتاً عند مواقع الأغلاط داعياً لي في مظان الإجابة ومحلّ الإخلاص والإنابة، والحمد لله رب

العالمين، والصلوة على محمد وآله. وكتب هذه الأحرف بيده الجانية الفانية «محمّد بن مرتضى المدعوّ بمحسن» عفا الله عنه.

نقلتها عن خط يده متعنا الله ومعاشر الطالبين بدوام صحبته في أهني العيش وأرغده وكتب «محمد المدعوّ علم الهدى» محتواها لبعض الشهور حجة تسع وستين وألف (١٠٦٩) من الأعوام الهجرية الباهرة، سلام الله على الصاعد بها وعلى عترته الطيبة الطاهرة والحمد لله على آلائه المستفيضة المتكاثرة المتواترة.

٢- علامه محمّد باقر مجلسي (متوفى ١١١٠ق)

علامه در بحار الانوار^١، اجازه فیض به خود را نقل کرده و ما از بحار، آن اجازه را تقدیم می‌داریم. نسخه‌ای از این اجازه در میان نسخ خطی دانشگاه تهران به شماره ١٧٧٥ موجود است و در فهرست آن کتابخانه (ج ٨، ص ٣١٦) معرفی شده است.

علامه در بحار آورده است:

صورة ما كتبه لنا من الاجازة المولى الجليل العالم العارف الرباني مولانا محمد محسن القاشاني^٢ و هي بخطه الشريف:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلامه على عباده الذين اصطفى

أما بعد فقد استجازني الأخ الأعزّ الأجد الفاضل الأسعد المترشح في عنفوان الشباب لإحراز قصب السبق في السداد والصلاح، الشاهد سماته بأهليته لنيل الفوز والفلاح مولانا محمّد باقر ابن الحاوي للكمالات العلمية والعملية الجامع بين العلوم العقلية والنقلية مولانا محمّد تقي - أدام الله بقائهما - ما يصحّ لي إجازته

١. بحار الأنوار، چاپ بیروت، ج ١٠٧، ص ١٢٤، الذريعة ج ١، ص ٢٢٨.

بها صوة اجازة مؤلفه افاض الله بقاءه لايرحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي ابقى ربيق رفاة الحديث بانبا، نزع حاسليه والصلوة والسلام على خير من صدر عنه الحديث
وتبجيسه اما بعد فقد استخارني الاخ الاعز الاستاذ الذي هو مني بمنزلة الولد الحبيب للكاليت العلية والعلية
الطبع السليم والهم المستقيم السيد الغاي على الاثران مير محمد خان ادام الله توفيقه ونهج الى ذلك السالك طريقه ما
يفضح لي اجازة من كتب الحديث وغيره وحضوصه ما عليه الدار في هذه الاعصار من الكافي والفقهاء واليه
والاستهبار ثم كتاب الوافي من تاليفاتي الذي جمع الاربع مع ترتيبه وتبقيقه وبيان وتوضيحه بعد ان سمع
منه ما والله لعله كتب فاجرة ان يروي عنى ما استخارني فيه بحق رباني ليعز ساجي رضى الله عنهم اما قوله
عليهم او سماعا منهم او عليهم او اجازة منهم في الطرق المتصلة بالعنف الى الامة المعصومين عليهم السلام
ولاسيما طري الذي ذكرته في مقدمات الوافي وطري المذكورة في صورة اجازة الشهيد الثاني للشيخ
بن عبد الصمد على ما اجازني به سبطه محمد بن الحسن بن زين الدين بن علي بن زاهد العالم طاب الله ثراه
فليس وعنى جميع ذلك المزايا واثاها كما طرب الاحتياط متبينا عند مواقع الاطلا د اعيالي
في نظارة الاجابة ومحل الاخلاص والامانة وكتب بيده الجانية محمد بن محمد الدعوي بحسن وفقه الله
في دينه للثروة لعقباه وجعل اخرته خيرا من

دينه بجهته من اصطفاه وارفضاه

والحمد لله

م

من کتب الحديث وخصوصاً ما عليه المدار في هذه الأعصار أعني الكافي والفقيه والتهذيب والاستبصار ثم كتاب الوافي من تأليفاتي الذي جمع الأربعة كلها مع ترتيب وتوضيح .

فأجزته أدام الله توفيقه ونهج إلى درك السعادة طريقه - أن يروي عني جميع ما يصح لي إجازته بحق روايتي له قراءة على مشايخي - طاب الله ثراهم - أو سماعاً منهم أو عليهم أو إجازة على ما هو مذكور في إجازاتهم لي ، ولا سيما طريقي المذكور في الوافي ، فليرو عني جميع ذلك لمن شاء وأراد ، سالكاً طريق الاحتياط ، مثبّتاً عند مواقع الأغلاط داعياً لي في محلّ الإخلاص والإنابة بالتوفيق لما يحبّ الله ويرضاه والعمل بما فيه رضاه ، خصوصاً قطع العلايق والاشتغال به سبحانه عن الخلائق .

وكتب بيده الجانية الفانية «محمد بن مرتضى المدعو بمحسن» وفقه الله لتزود في دنياه لأخراه ، وجعل آخرته خيراً من أولاه .

۳- حسين بن مطر جزائري

از علمای قرن یازدهم و دوازدهم هجری است که با شیخ حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴ق) معاصر بوده و شیخ حرّ در أمل الآمل، در شرح حال وی نوشته است : «فاضل، زاهد، صالح، معاصر، له کتب منها تحفة الأبرار في تفسير القرآن و رسالة في الكلام»^۱.

علامه تهرانی در طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱ ص ۱۶۴) به اختصار او را معرفی نموده و گفته است : وی نسخه‌ای از یکی از تفاسیر را به خط خود در ۲۷ ربیع الثانی ۱۰۷۱ق استنساخ نموده و در آن نسخه، نسب خویش را چنین بیان داشته: حسین بن مطر بن علی بن عمران جزایری آل حسینی .

۱. أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۰۳؛ الفوائد الرضویة ص ۱۶۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۹۳

یکی از تألیفات وی تفسیری است به نام مسالك الرضوان إلى رياض الجنان، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیه‌الله گلپایگانی (ره) موجود است.^۱

جزایری به خط خود کتاب تأویل الآيات الظاهرة استرآبادی را استنساخ نموده و جناب فیض در آخر آن به تاریخ رجب ۱۰۷۰ق، اجازه‌ای جهت وی نوشته است. این نسخه به شماره ۲۵۹ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی^۲ نگهداری می‌شود. ما این اجازه را از نسخه مذکور نقل می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلامه على عباده الذين اصطفى

أما بعد فقد استجازني الأخ في الله والمحبوب لوجه الله الفاضل التقي الزكي الشيخ حسين الجزائري وفقه الله لما يحب ويرضى أن يروي عني ما يصح لي روايته من كتب أصحابنا الإماميين - تغمدهم الله بغفرانه - ولا سيما الكتب الاربعة المشهورة التي عليها المدار في هذه الأعصار أعني الكافي والفقيه والتهذيب والامتنعار، فأجزت له ما صحت لي إجازته وشرطت عليه ما شرط علي من الاحتياط والتمس منه أن لا ينساني من دعاء الخير في مظان الإجابات.

فليرو عني ما أراد و شاء من الكتب المذكورة وتفسير أصحابنا - رحمهم الله - بحق روايتي لها عن أستاذي ومن عليه في العلوم الشرعية استنادي وعليه اعتمادي «السيد ماجد بن هاشم الصادقي البحراني» - طاب الله ثراه - عن الشيخ الفاضل الكامل بهاء الدين محمد العاملي - قدس الله سره -.

ح وعن الشيخ المذكور بدون وساطة الأستاذ وهو يروي عن أبيه وأستاده الحسين بن عبد الصمد الحارثي وهو عن شيخه الأجل السعيد زين الدين علي بن

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله گلپایگانی، ج ۳ ص ۲۰؛ الذريعة، ج ۴، ص ۲۴۸

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی (ره)، ج ۱، ص ۲۹۱

أحمد العاملي الشهيد.

ح وبقو روايتي عن الشيخ محمد بن الشيخ حسن بن الشيخ زين الدين الشهيد عن أبيه عن جدّه الشهيد عن الشيخ الفاضل ناصر المذهب الحقّ علي بن عبدالعالي العاملي الميسي عن الشيخ شمس الدين محمد بن المؤذن الجزيني عن الشيخ ضياء الدين علي عن والده الأجل شمس الدين محمد بن مكّي الشهيد عن الشيخ فخرالدين أبي طالب محمد عن والده العلامة جمال الملة والدين الحسن بن مطهر الحلّي عن شيخه المحقق نجم الملة والدين أبي القاسم جعفر بن الحسن بن سعيد عن السيّد الجليل أبي علي فنّار بن معد الموسوي عن الشيخ أبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي عن الشيخ الفقيه عمادالدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم الطبري عن الشيخ أبي علي الحسن عن والده شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي وله إلى ثقة الإسلام محمد بن يعقوب الكليني طرق متعدّدة منها عن أبي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفيد عن شيخه أبي القاسم جعفر بن قولويه عنه وكذلك له إلى الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي طرق، منها: عن الشيخ المفيد عنه - قدس الله أسرارهم أجمعين - .

وكتب بيده الجانية محمد بن مرتضى المدعو بمحسن عفي عنه

في رجب سنة سبعين وألف الهجرية.

۴- مير محمد خان بن عزيز الله طباطبائي حنفي سمناني متخلص به «خير»

وی از محدّثین و مفسرین و عرفای بزرگ سمنان است که مرحوم فیض از او به عنوان برادری عزیز و فرزندی جامع کمالات علمی و عملی و فایق بر اقران یاد کرده است .

در تاریخ قومس شرح حال مختصر وی، چنین آمده است : «میر محمد خان

طباطبایی از علما و سادات سمنان، از شاگردان فیض رحمة الله علیه بوده، به طوری که منقول است کشف و کرامات زیادی از وی مشاهده شده، از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست، فقط تفسیر قرآنی از وی بجا مانده... قبر مرحوم میر محمد خان در کنار قبرستان «پیر نجم الدین» در سمنان واقع است...»^۱.

میر محمد خان طبع شعری خوبی داشته و به «خیر» تخلص می نموده است. در رقعه ای که به استاد خود - فیض کاشانی - فرستاده قطعه شعری سروده که بخشی از آن چنین است:

به خدایی که ز فیضش بود آثار وجودم که در ایام فراق تو نه بودم نه نبودم
چه توان گفت که بودم چه به خود هیچ نباشم نتوان گفت نبودم چه همه یاد تو بودم
سینه جز جلوه گه نقش جمال تو نکردم دیده را جز به خیال کف پای تو نسودم
بجز از حرف جمیل تو نه خواندم نه نوشتم بجز از وصف جمال تو نه گفتم نه شنودم...
بی تو گر دیده گشایم همه اشکم همه رشکم و ردمی بی تو برآرم همه آهم همه دودم...
تا بزد تیغ قدر حبل وریدم گرد این منزل با فیض قضا داد و رودم
بیش از این «خیر» مده در دسر یار خمش کن که داد تو فراموش نکند یار و دودم^۲
نامه های میر محمد خان به علم الهدی در جنگ خطی شماره ۸۴۴۵ کتابخانه
آیه الله مرعشی^۳ به خط علم الهدی، موجود است و یکی از آن نامه ها به تاریخ
محرم ۱۱۰۳ ق است و نامه دیگر از او به فیض در کتابخانه سپه سالار موجود
است و نیز نامه های جناب فیض به خیر طباطبایی در کتابخانه مرکزی دانشگاه

۱. تاریخ قومس، عبدالرفیع حقیقت، ص ۳۸۲

۲. این رقعه در میان جنگ خطی، شماره ۱۴۱۸۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی است و جنگ مذکور در فهرست آن کتابخانه (ج ۳۸، ص ۲۴۰ تا ۲۴۵) معرفی شده است.

۳. فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۲۲، ص ۳۶

تهران موجود است.^۱

دو نسخه از صحیفه سجاده به خط میر محمد خان سراغ داریم، که یکی از آنها را در تاریخ ۲۹ رمضان ۱۰۶۲ ق استنساخ نموده است^۲ و دیگری در تاریخ ۱۰۸۰ ق کتابت شده است^۳ و نسخه‌ای از وافی به خط وی به شماره ۳۵۳۱ در کتابخانه مرعشی موجود است (فهرست ج ۹، ص ۳۲۷) که به سال ۱۰۷۲ ق دراصفهان نوشته است این نسخه تصحیح شده و علامت بلاغ و تصحیح دارد. اجازه فیض به طباطبایی را در آخر نسخه‌ای از وافی در کتابخانه حضرت ابوالفضل - سلام الله علیه - دامغان رؤیت نمودم^۴. این نسخه به خط نسخ محمد عبدالمطلب بن غیاث‌الدین علامی بوده که از روی نسخه طباطبایی در ۲۷ رجب ۱۰۸۷ ق استنساخ نموده است و در پایان آورده است: «قد نقلت عن نسخة عمدة المحدثین وقدوة السالکین وزبدة الحاج والمعتمرین السید الفایق علی الأقران أمير محمد خان بن عزیزالله الطباطبائی الحسني - أدام الله تأییده - وقد قرأ نسخه علی مؤلفه - أدام الله مجده - وکتبت هذا الكتاب لنفسي ولمن احتاج الإنتاج والانتفاع به...».

و در صفحه پایانی صورت اجازه فیض به میر محمد خان را آورده است. ما این اجازه را از همین نسخه نقل می‌نماییم.

و نیز نسخه‌ای دیگر از این اجازه را، در کتابخانه مدرسه صادقیه سمنان مشاهده نموده و در فهرست نسخه‌های خطی آن مدرسه معرفی کردم^۵.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۷، ص ۶۷، شماره ۸۲۳۱ و ج ۱۴، ص

۳۵۳۳، شماره ۶۷۰۲

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق تهران، ج ۱، ص ۳۹۶

۳. میراث اسلامی ایران، دفتر ششم، ص ۴۸۶

۴. این نسخه را در میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، ص ۸۵۳ معرفی کرده‌ام.

۵. آینه پژوهش، ش ۵۳، ص ۱۱۹

اجازته مرحوم فيض به مير محمد خان طباطبائي :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أبقي رمق رواية الحديث بإبقاء نوع حامله والصلاة والسلام على خير من صدر عنه الحديث ومنتجبه .

أما بعد فقد استجازني الأخ الأعز الأسعد الذي هو منّي بمنزلة الولد الجامع للكمالات العلمية والعملية، ذوالطبع السليم والفهم المستقيم السيد الفائق على الأقران «مير محمد خان» - أدام الله توفيقه ونهجه إلى درك السعادة طريقه - ما يصح لي إجازته من كتب الحديث وغيره وخصوصاً ما عليه المدار في هذه الأعصار من الكافي والفتاوى والتهديب والاستبصار ثم كتاب الوافي من تأليفاتي الذي جمع الأربعة مع ترتيب وتنقيح وبيان وتوضيح، بعد أن سمع عليّ من أوائله ثلاثة كتب، فأجزته أن يروي عني ما استجازني فيه بحق روايتي له عن مشايخي - رضوان الله عليهم - إمّا قراءة عليهم أو سماعاً منهم أو عليهم أو إجازة منهم لي بالطرق المتصلة بالمعينة إلى الأئمة المعصومين - عليهم السلام -، لا سيما طريقي الذي ذكرته في مقدمات الوافي وطريقي المذكورة في صورة إجازة الشهيد الثاني للشيخ حسين بن عبد الصمد على ما أجازني به سبطه محمد بن الحسن بن زين الدين بن علي بن أحمد العاملي - طاب الله ثراه - .

فليرو عني جميع ذا لمن أراد وشاء، سالكاً طريق الاحتياط، مثبتاً عند مواقع الأغلاط، داعياً لي في مظان الإجابة ومحلّ الإخلاص والإنابة .

وكتب بيده الجانية محمد بن مرتضى المدعو بمحسن - وفقه الله في دنياه للتزود لعقبه وجعل آخرته خيراً من دنياه بحرمة من اصطفاه وارتضاه - الحمد لله .
«هكذا وجدت من خط مولفه، حرره العبد العاصي عبدالمطلب العلّامي»

۵- محمد ابراهیم بن محمد قلی

در ظهر نسخه‌ای از خلاصه الأقوال علامه حلّی که به شماره ۵۴۳۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است^۱، به خط جناب فیض آمده است: «قد بلغت قراءة الفاضل الموفق السعيد محمد ابراهيم بن محمد قلی - زیدتوفیقه وتأییده- هذا الكتاب من أوله إلى آخره قراءة فحص وتحقيق علي، وأنا العبد المسيء الملقب بمحسن بن محمد بن مرتضى».

۶- ابوالحسن بن شیخ حسین

در آخر نسخه وافی به شماره ۳۵۷۶ کتابخانه آیه الله مرعشی^۲، که به خط ابوالحسن بن شیخ حسین در شعبان ۱۰۶۱ق کتابت شده است، بلاغی بدین مضمون از جناب فیض به چشم می خورد:

«تم بلغ سماعه علي أيده الله وكتب مؤلفه محمد بن مرتضى».

۷- نورالدین محمد اخباری کاشانی (نوه برادر فیض)

نورالدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن شاه مرتضی زنده در ۱۱۱۵ق، از محدثین شیعی است که کتاب درر البحار^۳ از آثار اوست. دو نسخه از وافی که به خط وی استنساخ شده در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است به شماره‌های ۵۸۰۹ و ۵۸۱۰، در نسخه اول، بلاغی به خط فیض

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس ج ۱۶ ص ۳۳۳

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۹، ص ۳۶۲

۳. الذریعه، ج ۸، ص ۱۱۹، نورالدین محمد آثار دیگری دارد همچون «الأدعية الکافیة» و «الحقایق القدسیة». طبقات اعلام الشیعة، قرن ۱۲، ص ۷۹۲-۷۹۳. فهرست نسخه‌های خطی آستان قدس رضوی، ج ۱۵، ص ۲۱۷ و ج ۶، ص ۳۶۶

دارد، بدین مضمون: «وَفَقَّهَ اللهُ تَعَالَى تَمَّ بَلْغَ قِرَاءَةٍ وَتَصْحِيحًا». و در نسخه دیگر بلاغ به خط فیض چنین است: «تَمَّ بَلْغَ قِرَاءَةِ آيِدِهِ اللهُ تَعَالَى».

علامه تهرانی تصریح نموده که نورالدین محمد، مجاز از فیض کاشانی بوده است و این اجازه مختصر در سال ۱۰۷۹ق در ایام جوانی مجاز صادر شده است.^۱

۸- مولی محمد هادی بن مرتضی

برادر نورالدین محمد مذکور، جناب فیض دو اجازه برای وی نگاشته، یکی مختصر و دیگری مفصل به تاریخ سال ۱۰۷۲ق. وی کتاب مستدرک الوافی را در چندین جلد تألیف کرده است.^۲

نسخه‌ای از اجازه مذکور در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.^۳

۹- در پایان نسخه شماره ۱۲۳۲۰ کتابخانه مجلس، بلاغی به خط فیض آمده است که متن آن نقل می‌شود:

«بَلْغَ تَصْحِيحِ هَذَا الْكِتَابِ الْمَوْسُومِ بِأَمَانِ الْأَخْطَارِ لِدَيِّ وَاسْتِجَازَنِی صَاحِبِهَا الْأَخُ الزَّكِي الذَّكِي الْفَاضِلِ الصَّالِحِ قَدْوَةُ الْعُلَمَاءِ فِي قِرَائَتِهَا وَ... فَأَجَزْتُ لَهُ آيِدُهُ اللهُ وَالْمَرْجُوْ مِنْهُ أَنْ لَا يَنْسَانِي فِي دَعَوَاتِهِ وَخُلُوتِهِ وَكُتِبَ ذَا الْعَبْدُ الْمَذْنُبُ الْأَثْمُ عِنْدَ

۱. الذریعة، ج ۱، ص ۲۲۸

۲. الذریعة، ج ۲۱، ص ۶؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی ج ۲۵ ص ۱۲۴ و ۱۲۵

۳. الذریعة، ج ۱، ص ۲۲۸؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی ج ۱۴ ص ۶۱۸؛

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج ۵ ص ۱۶۴۰، شماره ۶۶۲

برای شرح حال وی رجوع کنید به: طبقات اعلام الشيعة، قرن ۱۲، ص ۸۰۴

ربّه الکریم الرحیم بن مرتضی محمد محسن الکاشی فی سنة ۱۰۷۸ق». این نسخه توسط صدرالدین محمد به تاریخ ۱۱۱۰ مقابلہ گردیده است.^۱

۱۰- سید جمال الدین حسین بن سید محمد

اجازة مهم و جالب فیض به وی در ضمن جنگ شماره ۹۴۰۷ کتابخانه آیه الله مرعشی به خط علم الهدی موجود است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى.

أما بعد فإن الأخ في الله و المحبوب لوجه الله، السيد السعيد الفاضل السديد، جمال الدين حسين بن السيد الزكي النقي المغفور النقي التقي المشكور السيد محمد، استجازني ما يصح لي إجازته من كتب الأصحاب خصوصاً أصول الحديث الأربعة التي عليها المدار في هذه الأعصار، فرأيت أن إجابته في الأمر المعروف من الواجب المفروض، لما استشمت برق الصلاح من صفحته و استشمت أرج الفضل من

فأجزت له - أدام الله توفيقه و أبان إلى درك السعادة طريقه - أن يروي عني كتابي التهذيب و الاستبصار من تصانيف شيخ الطائفة و عمادها الشيخ أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي - طاب ثراه - بحق روايتي لهما إجازة عن شيخنا المبرور في فنون العلم بهاء الملة و الدين بن فقيه الفرقة الناجية الحسين بن عبد الصمد الحارثي الهمداني، عن شيخه الجليلين السيد حسن بن جعفر الكركي و الشهيد السعيد زين الدين بن علي بن أحمد العاملي عن شيخه الفقيه البارع علي بن عبد العالي الميسي عن أبيه عن عدّه من تلامذة العلامة مفتي الفرق

الحسن بن یوسف بن المطهر، أشهرهم السید عمیدالدین بن الأعرج الحسینی و ولده فخر المحققین محمد بن الحسن عن شیخهما العلامة المشار إليه، عن شیخه المحقق أبي القاسم جعفر بن سعید الحلبي عن شیخه نجیب الدین محمد بن جعفر بن أبي البقاء هبة الله بن نما عن الشيخ شاذان بن جبرئیل القمي عن الشيخ أبي علي بن الشيخ أبي جعفر الطوسي عن أبيه المصنف - طاب ثراه -.

وأن يروي عنی كتاب من لایحضره الفقيه و سایر تصانیف الشيخ الصدوق، رئیس المحدثین أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي ؑ بهذا الطريق إلى الشيخ أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي عن شیخه و شیخ الطائفة محمد بن محمد بن النعمان الملقب بالمفيد، عن شیخه المصنف - طاب ثراه -.

وأن يروي عنی كتاب الكافي بالطريق المذكور إلى الصدوق عن الشيخ الأجل جعفر بن محمد بن قولويه عن شيخ الطائفة، ثقة الاسلام، مجدد المذهب على رأس الثلاثمائة، أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني ؑ ورضي عنه وأرضاه. فليرو عنی جميع ذلك لمن أراد و شاء سالكاً طريق الاحتياط، و محال الاخلاص و الانابة بالتوفيق لما يحب الله و يرضاه و... لما فيه رضاه. و كتب بيده الفانية محمد بن مرتضى المدعو بمحسن سنة ثلاث و ستين و الف، حامداً مصلياً.

۱۱- إسماعيل بن محمد صالح حسيني^۱

مجلداتی از کتاب وافى را به خود نگاشته و در پایان نسخه‌ای از وافى که به خط او در ۱۰۶۸ ق کتابت شده، جناب فیض چنین نوشت: «هو، بلغ سماعه لهذا الجزء من أوله إلى آخره علي سماع فحص وتفهم - وفقه الله للخيرات والباقيات

الصالحات - کتبه مصنفه محمد بن مرتضی المدعو بمحسن عفی عنه^۱.

ب: شاگردان فیض که اجازه فیض به آنها در دست نیست یا موفق به کسب اجازه نشده‌اند:

۱۲- لطف‌الله شیرازی

علامه تهرانی وی را از شاگردان فیض معرفی کرده و گفته که، از آقا حسین خوانساری نیز اجازه دریافت کرده‌است. شاگردش - ملا علی حزین - کتاب وافی را در نزد وی خوانده و از او اجازه کتبی گرفته‌است^۲.

۱۳- فخرالدین شوشتری

مولی عبدالله جزائری در الإجازة الکبيرة، فخرالدین را شاگردان فیض دانسته است^۳.

۱۴- سید محمّد باقر حسینی

در تراجم الرجال، شرح حال مختصری از وی آمده و گفته شده که او از شاگردان فیض کاشانی بوده و بعد از ۱۱۲۲ق وفات یافته است^۴.

۱۵- قاضی سعید قمی (۱۰۴۹ - بعد از ۱۱۲۶ق)

عارف شهیر و حکیم بزرگ، محمد سعید قمی از شاگردان فیض بوده و از او

۱. نسخه مذکور که جزء چهاردهم و پانزدهم وافی را شامل می‌شود به شماره ۵۰۸ در کتابخانه امام صادق علیه السلام قزوین موجود است، (با تشکر از آقای محمود طیار مراغی).

۲. طبقات اعلام الشيعة، قرن ۱۲، ص ۶۲۶

۳. همان، ص ۵۸۱: الإجازة الکبيرة، مولی عبدالله جزائری، ص ۱۹۱

۴. تراجم الرجال، سید احمد حسینی، ج ۲ ص ۶۰۶

اجازه روایت داشته است. چنانکه در اجازه‌ای که برای محمد کریم نوشته است، در بیان مشایخ خود آورده است: «أجلهم وأفضلهم الأستاذ العارف المتأله مولانا محسن الكاشي»^۱. قاضی سعید رساله «روح الصلاة» از اربعینات خود را به نام استادش - جناب فیض - نگاشته است.

۱۶- سید نعمت الله جزائری (۱۰۵۰ - ۱۱۱۲ ق)

محدث شهیر و عالم جلیل سید نعمت الله جزائری از تلامذه جناب فیض بوده و خود به این معنا در کتاب زهر الربیع (ص ۷۲) تصریح کرده است.

۱۷- مولی امین بن عبدالوهاب

وی صاحب کتاب الرد علی الشهاب الثاقب است؛ علامه تهرانی او را از شاگردان جناب فیض دانسته است که رساله مذکور را در رد استاد خود نوشته است.^۲

الشهاب الثاقب از تألیفات فیض است که درباره وجوب تعیین نماز جمعه نوشته است.

در ضمن نسخه‌های خطی آقای مدیر شانه‌چی رساله‌ای است در باره نماز جمعه، از تألیفات محمد بن عبدالوهاب تنکابنی، که به دستور استادش - فیض کاشانی رساله را ساخته است.^۳ محمد امین در پایان کتابش درباره مؤلف کتاب

۱. طبقات أعلام الشيعة، قرن ۱۲، ص ۳۱۰؛ نشریه نسخه‌های خطی، دفتر هفتم، ص ۵۲۰

۲. الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۰۲ و ۲۰۳، این رساله یک بار در نجف به سال ۱۳۳۸ ق چاپ سنگی شده و بار دیگر در قم به ضمیمه منبع الحیة در سال ۱۴۰۱ ق به چاپ رسیده است.

۳. نشریه نسخه‌های خطی، دفتر پنجم، ص ۵۹۹

«الشهاب الثاقب» آورده است: «إِنَّ المصنف علیه السلام قد أحسن إليّ وإلى كثير من الناس في التعلّم والإشفاق...».

دو نسخه از کتاب وافى به خط محمد امين بن عبدالوهاب به شماره‌های ۱۸۷۳ و ۳۹۹۰ در کتابخانه آية الله مرعشى موجود است (فهرست ج ۵، ص ۲۵۳ و ج ۱۰، ص ۳۶۷) هر دو نسخه مصحح و با بلاغ از علم الهدی است یکی از آنها در ۱۰۹۷ ق و دیگری در ۱۱۰۰ ق کتابت شده است.

۱۸ و ۱۹- دو فرزند دیگر فیض به نام‌های محمد ملقب به نورالهدی و معین احمد یا (محمد)، محتمل است که از شاگردان پدر خود بوده باشند.

۲۰- سلطان محمد بن تاج الدین حسن

از جمله شاگردان فیض بوده و از علم الهدی اجازه دریافت داشته است. نسخه‌ای از این اجازه در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۱۰۷۴ موجود است.^۱

تحفة المجالس از جمله تألیفات سلطان محمد است که به چاپ رسیده^۲ و تحفة الأذکار تألیف دیگر اوست که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.^۳

وی در یکی از ابواب این کتاب آورده است: «اذکاری که در این باب ایراد نموده‌ایم، اکثر آن را از کتاب... استادی مولانا محمد محسن کاشی - ادام الله تعالی ظلّه العالی - نوشته‌ایم».

۲۱- شیخ حر عاملی (۱۱۰۴ ق)

صاحب وسائل الشیعه، از جمله شاگردان فیض محسوب شده است.^۴

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم، ص ۴۹۶.

۲. الذریعة، ج ۳، ص ۴۶۵، شماره ۱۷۰۰.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۵، ص ۱۳۵.

۴. أمل الآمل، مقدمه، ص ۱۵.

۲۲- میرزا محمد بن محمد رضا مشهدی (۱۱۰۷ ق)

مؤلف تفسیر «کنز الدقائق و بحر الغرائب»، به گفته خوانساری در روضات الجنات، از تلامذه فیض بوده است.^۱

۲۳- میرزا حسن بن عبدالرزاق لاهیجی (۱۰۴۵ - ۱۱۲۱ ق)

متحمل است در نزد فیض - که شوهر خاله وی بود - تلمذ نموده باشد، به قرینه اینکه نسخه‌ای از کتاب وافی را به خط خود نوشته و بر آن حاشیه زده است و این نسخه در کتابخانه حسینیّه شوشترهای نجف موجود بوده است.^۲

۲۴- محمد شفیع بن محمد مقیم

از شاگردان فیض که مجموعه از رسائل فیض از جمله ترجمه الشریعة و ترجمه العقاید را به خط خود نگاشته و نسخه آن در مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام نجف موجود است.^۳

۲۵- ملا محمد شفیع بن محمد امین (نجات)

خلاصة الأذکار استادش (فیض) را ترجمه کرده و نسخه خطی آن به شماره ۳۱ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.^۴

هم چنین علم الیقین فیض را به خط خود استنساخ نموده و نسخه آن به شماره ۶۵۹۵ در کتابخانه آیه الله مرعشی نگهداری می‌شود.^۵

و نیز اللالی و فهرس العلوم فیض بخط نجات در نسخه شماره ۷۲۸۵ کتابخانه آیه الله مرعشی به چشم می‌خورد با تاریخ تحریر سال ۱۰۷۳ ق.^۶

والحمد لله رب العالمین

۱. روضات الجنات، چاپ سنگی، ص ۶۲۰، طبقات اعلام الشیعة، قرن ۱۲، ص ۶۷۳

۲. الذریعه، ج ۶، ص ۲۲۹

۳. فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی، ج ۲، ص ۱۰۸۶

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی ج ۱، ص ۴۳

۵. همان ج ۱۷، ص ۱۶۹

۶. همان ج ۱۹، ص ۷۴